



دفتر هنر ویژه قمر منتشر شد

درست است که قمر، بلبل بی رقیب آواز ایران در مرداد ماه سال ۱۳۳۸ چشم از جهان فروبست و امسال که دوست و همکارمان بیژن اسدی پور ویژه نامه او را به زیباترین شکلی به دست علاقمندان قمر رسانده است چهل و نه سال از درگذشت او می گذرد، اما باید آنرا ویژه نامه پنجاهمین سال خاموشی قمر بدانیم. چرا؟ برای اینکه تا سال دیگر کسی را سراغ نداریم دفتر بی بی پرن و پیمانی که از همه نویسندگان، موسیقیدانان و شاعران مطالبی اینگونه خواندنی و ماندنی داشته باشد برای پنجاهمین سال خاموشی قمر منتشر کند. واقعاً باید به بیژن دست مرزاد گفت. هجدهمین شماره دفتر هنر که به کوشش شبانه روزی آقای بیژن اسدی پور منتشر شده ویژه قمر، نخستین زنی که در آخرین سالهای سلسله قاجار صدای دلنشین خود را که به نغمه های آسمانی می مانست در فضای سرد و تیره تعصب های مذهبی رها ساخت و زن و مرد را شیفته خود کرد. صدای قمر در واقع صدای رهایی زن ایرانی بود. ایرج میرزا در شعر زهره و منوچهر از قول زهره الهه عشق درباره قمر می گوید:

گاه زنی همچو قمر پرورم

در دهنش تنگ شکر پرورم

قمر مگو که یکی ودایع حق بود

قمر مگو که یکی از بدایع چین بود

و ملک الشعراء بهار درباره قمر می گوید:

صد قرن هزارساله باید

ایران که دو صد قمر ندارد

هر زن که چنین هنر ندارد

بگذار برای ما بماند

زان زمزمه های آسمانی

برمرده دلان دهد جوانی

و شهریار که به علاقه ایرج میرزا به قمر آگاه بوده، سالها پس



از درگذشت ایرج، در شبی که توانسته قمر را از نزدیک ببیند به یاد ایرج می افتد و میگوید:

از کوری چشم فلک امشب قمر اینجاست

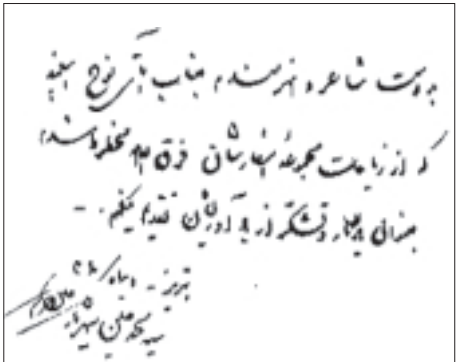
آری قمر امشب به خدا تا سحر اینجاست

ای عاشق روی قمر ای ایرج ناکام

برخیز که باز آن بت بیدادگر اینجاست

خلاصه اینکه از مرد و زن کسی نبود که شیفته و واله صدای قمر نباشد. در دفتر هنر ویژه قمر دهها نویسنده، شاعر و موسیقیدان خاطرات خود را پیرامون قمر نوشته اند که حتی بردن نامشان مثنوی را هفتاد من کاغذ می کند. باید این شماره را با دقت و بارها خواند که مطالب و نکات تازه فراوانی پیرامون زندگی قمر و محیط زیست او دارد. کار مهم دیگری که بیژن اسدی پور در این زمینه انجام داده تهیه دو «سی دی» از صدای قمر همراه با نظرات چهره های معروف پیرامون زندگی قمر است که ضمیمه این شماره دفتر هنر شده و آن را جاودانی کرده است. چاپ تمیز و نفیس و روشن همه شماره های دفتر هنر از مختصات کارهای بیژن اسدی پور است و باید این سلیقه و پشتکار را به او تبریک گفت و در انتظار کارهای دیگر او بود.

«سریال شهریار» و اعتراض خانواده او



موی زمان سپید شود در چشم روزگار

روی زمین نبیند هم سنگ شهریار

اما عکس را که برام فرستاده بودند همین است که در بالای این صفحه می بینید. البته شهریار با ملک الشعراء بهار از جوانی آشنا بود و هنگامی که شهریار نخستین مجموعه شعر خود را «روح پروانه» و «صدای خدا» در سال ۱۳۱۰ (۶ سال پس از مرگ ایرج میرزا) منتشر کرد با مقدمه های ملک الشعراء بهار و استاد سعید نفیسی بود. من شهریار را آخرین بار در خانه دوست شاعر روانشادم محمد تاجبخش سمنانی دیدم و این چند سال قبل از انقلاب بود. شهریار به تاجبخش خیلی علاقمند بود و هر وقت به تهران می آمد او نیز دیدن می کرد که بقیه دوستان به فیض دیدار شهریار نایل می شدند. روان همه آنها شد. نوح

اعتراض دختر شاعر بزرگ «شهریار»

به سریال تلویزیونی «شهریار»

مجله بین المللی تهران: «مریم بهجت تبریزی» فرزند استاد «شهریار» در واکنش به سریال «شهریار» گفت: بدین وسیله اعلام می کنم که آنچه به عنوان سریال «شهریار» از شبکه دو تلویزیون ایران پخش شده، ارتباطی با زندگی شاعر بلند آوازه ایرانی، «شهریار» نداشته است. «مریم بهجت تبریزی» فرزند استاد «شهریار» در واکنش به سریال «شهریار» (کمال تبریزی) گفت: سریالی که با نام «شهریار» از شبکه دوم تلویزیون ایران درحال پخش است، متأسفانه دارای صحنه ها و سکانس هایی غیرواقعی و توهین آمیز به شخصیت استاد «شهریار» بوده که نه تنها با واقعیت های حیات آن بزرگوار همخوانی نداشته و ندارد، بلکه با تحریف و تفسیراتی همراه بوده است که نهایتاً به مسخ شخصیت حقیقی و اجتماعی و ادبی پدرم - که محبوب ترین شاعر ایران در قرن حاضر است - منجر می شود. وی ادامه داد: متأسفانه با تماشای اهانت های ناروا به مادر و تصویری مبهم از یک معلم فرهنگی شریف، متوجه شدم که سریال «شهریار» بدون کمترین تحقیق و پژوهش سرهم بندی و نگارش شده است.

فرزند «محمد حسین بهجت تبریزی» با اشاره به ذکر نام خانواده «شهریار» در تیتراژ این سریال گفت: می خواهم بگویم شما که خانواده «شهریار» را در جریان این سریال نگذاشتید و اطلاعات مستندی هم از آنها نگرفته اید، چگونه در تیتراژ انتهای سریال از آنها تشکر می کنید؟! وقتی این مطلب را بیننده سریال می بیند، فکر می کند که حتماً خانواده «شهریار» نیز با این سریال همکاری داشته است. وی افزود:

اگر من را از این جریان مطلع می کردند، ابتدا درخواست می کردم که فیلمنامه را بخوانم. «مریم بهجت تبریزی» همچنین گفت: برطبق قانونحمایت از مؤلفان، این سریال بدون مجوز پخش شده است در حالی که به موجب این قانون تا ۳۰ سال تمام حقوق مادی و معنوی و ورثه تلقی می گیرد و برای هر گونه استفاده ای باید از وارث اجازه گرفته شود ولی سازندگان این سریال از ما هیچ گونه اجازه ای نگرفتند.

وی ادامه داد: داستان، بیوگرافی و شخصیتی که از پدر من در این سریال نمایش داده می شود به طور کلی متفاوت با واقعیت است و کسی که این فیلم را ساخته کوچک ترین شناختی از شخصیت ادبی، مذهبی، دینی و عرفانی پدرم نداشته است. وی همچنین با اشاره به برخی شخصیت های این سریال گفت: حتی شخصیت هایی در این سریال وجود دارند مثل «ابراهیم ادیب» یا «گلرخ» که اصلاً وجود خارجی نداشته اند. کلا داستانی که در مورد جوانی، بعد از ازدواج و میانسالی پدرم نشان می دهند، مورد دخل و تصرف واقع شده است. وی افزود: اولاً به لحاظ زمانی، تاریخ ها را رعایت نکرده اند و همه آنها ساختگی بودند. به جرات می گویم ۸۰ تا ۹۰ درصد این پروژه ساختگی است و هیچ کدام از اینها اتفاق نیفتاده است.

دختر استاد «شهریار» تصریح کرد: قسمت اخیر سریال «شهریار» کاملاً ساختگی بود چرا که مادر من اصلاً در بیمارستان فوت نکرده اند و اصلاً مریض نبوده اند، بلکه ایشان سکنه مغزی کردند و از دنیا رفتند. وی در ادامه با انتقاد از نمایش چهره ای غیرواقعی از مادرش در این سریال افزود: مادرم، فردی باسواد بوده که در این سریال، بی سواد معرفی می شود. ایشان نوه عمه پدرم و خویشاوند نزدیک پدرم بود ولی در این سریال، یک فرد بیگانه معرفی می شود

به اعتبار آن صدمه زیادی زده است. غریب هم ظاهراً آخرین تلاش خود برای گفتگو را انجام داده است. و از همه مهمتر، به نظر می آید که عالیتترین مقام حکومتی یعنی آقای خامنه ای نیز از این نظر حساس شده است و تلاش دارد که کنترل مستقیم اداره کشور را به دست گیرد. این کنترل، از جمله تصمیم گیری در مورد پاسخگویی به پیشنهادهای اخیر کشورهای ۵+۱ را در بر می گیرد. جمهوری اسلامی به غریب گفته است که منتظر پاسخ ما بنماید. این پاسخ هر چه که باشد در آینده روابط کشور ما با جهان غرب و مسئله حمله نظامی به ایران تعیین کننده خواهد بود.

از من چه طالعی است که با این شتاب عمر

بازم بیرو لب بام آفتاب عمر

من روی چرخ و پره هنوزم به پیچ و تاب

جایی که آب ریخته از آسیاب عمر

ساییده رشته ای است که تاپیده به گلو

من تاب می خورم به نخ از طناب عمر

چل سال آرزگار به زلفان روزگار

حسب ابد چگونه نهی در حساب عمر

وی افزود: در آن مدت اگر کسی به ملاقات استاد «شهریار» می آمد، پدرم بعضی وقت ها او را می پذیرفت و بعضی مواقع به دلیل کثرت جمعیت و این که حال عمومی خوبی نداشت، نمی توانست کسی را به حضور بپذیرد.

فرزند «شهریار» تصریح کرد: در کل، سریال «شهریار» بر مبنای واقعیت نیست و نه تنها همخوانی با زندگی پدرم ندارد بلکه نوعی اهانت نسبت به ایشان، مادرم و خانواده ما است. «بهجت تبریزی» گفت: این سریال بدون کوچکترین تحقیق و پژوهش سرهم بندی و نگارش شده است، لذا به عنوان یک رسالت تاریخی، نه به عنوان وارث پدرم که جای خود دارد، بلکه به عنوان یک فرد وابسته به استادی که سال ها با او زندگی ام را گذرانده ام، اعلام می کنم که آنچه به عنوان سریال «شهریار» از شبکه دو پخش شده، ارتباطی با زندگی شاعر بلند آوازه ایرانی، «شهریار» نداشته است. وی افزود: به جرات می توانم بگویم حتی یک مطلب مهم که در مورد پدرم باید منعکس شود، در این سریال دیده نمی شود و اکثریت مطالب مهم زندگی پدرم، مثل شبی که از عشق مجازی به عشق حقیقی رسید و مهمترین شب زندگی او محسوب می شود، در این فیلم آنچنان که باید به مردم نشان داده نشده است. فرزند «شهریار» خاطر نشان کرد: پدرم وقتی از تبریز به تهران آمدند، ۱۴-۱۳ ساله بودند و در سنین پایین به دارالفنون رفتند و به مدت ۷ سال درس طب خواندند، ایشان بین ۲۰ تا ۳۰ سال به عشق حقیقی رسیدند و متحول شدند، اتفاقی که برای کمتر کسی می افتد ولی در سریال «تبریزی» به هیچ یک از این مسائل پرداخته نشده است. وی در انتها گفت: پدرم فردی بسیار متدین و مذهبی بودند ولی این مسئله نشان داده نشده است. ایشان حافظ قرآن بودند و آن قدر قرآن خوانده بودند که زبان عربی را از این طریق یاد گرفتند.